



## اولین میزگرد مشترک

# جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

## دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۸)

نخستین میزگرد مشترک جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان توسط مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز و با همکاری سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو و مقامات جمهوری آذربایجان، در تاریخ بیست و دوم اردیبهشت ۱۳۷۸ با حضور هیأت‌های دو طرف و تنی چند از اساتید دانشگاه در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی برگزار گردید.

در جلسه افتتاحیه، پس از تلاوت آیاتی چند از کلام... مجید، آقای ناصر ثقفی‌عامری رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز قبل از ارائه گزارش پیرامون میزگرد به بیان سابقه‌ای از فعالیت‌های مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز که یکی از مراکز تحقیقاتی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است، پرداخت.

وی سپس اظهار داشت: میزگرد امروز حول چهار موضوع برنامه‌ریزی شده که هر کدام در یک جلسه مورد بحث قرار خواهد گرفت. در جلسه نخست، مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، در جلسه دوم، مباحث تاریخی و فرهنگی، در جلسه سوم، مناسبات دوجانبه سیاسی و در جلسه چهارم، مناسبات دوجانبه اقتصادی بررسی خواهد شد.

سپس آقای دکتر سیدعباس عراقچی مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ضمن خوش آمدگویی به هیأت آذربایجان و آقای حسن اف، مدیر شعبه سیاسی - اجتماعی دفتر ریاست جمهوری آذربایجان و رئیس هیأت آن کشور در میزگرد دوجانبه اظهار امیدواری نمود که مباحث میزگرد مفید واقع شده و به توسعه تفاهم بین دو کشور و بهبود و گسترش هرچه بیشتر روابط کمک نماید.

وی تأکید نمود که حضور برادران آذری در ایران و زندگی مسالمت‌آمیز آنان در طول تاریخ می‌تواند به عنوان یک الگوی مناسب در جهان مورد استفاده قرار گیرد.



قومیت‌های مختلف در ایران، از جمله آذری‌ها، به طور مشترک در هدایت کشور نقش داشته‌اند و در نهادهای دولتی ایران هیچ تفاوتی میان قومیت‌ها وجود ندارد و این مسأله در جهانی که مشکلات قومی و نژادی به صورت یک معضل درآمده و در بوسنی و کوزوو شاهد آن هستیم، در جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد.

آقای عراقچی در زمینه موقعیت دو کشور اظهار داشت که جمهوری اسلامی ایران در یکی از حساس‌ترین مناطق دنیا قرار دارد و با ۱۵ کشور مختلف در زمین و دریا مرز مشترک دارد، که در بعضی از آنها مثل عراق و یا طالبان با مسایلی روبه‌روست. از سوی دیگر مقابله با پیچیدگی وضعیت خلیج فارس و حضور قدرتهای بزرگ در آن و مسایل موجود در جمهوری‌های تازه استقلال یافته مستلزم وجود ثباتی است که در جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود. آذربایجان نیز در منطقه با مشکلاتی روبه‌رو می‌باشد و درگیر بحران قره‌باغ است. به این ترتیب، هر دو کشور در یک منطقه حساس و پیچیده قرار گرفته و با مشکلاتی مواجه هستند. در این میان، القادات دیگران می‌تواند مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورد، که لازم است مراقب آن باشیم. در چنین شرایطی، نقش این میزگردها به خوبی معلوم می‌شود و در آنها اندیشمندان دو طرف مسایل فی‌مابین را به بحث گذاشته و سعی می‌نمایند تا سوء تفاهمات را در یک فضای علمی و آکادمیک برطرف سازند و به تفاهم باهم نائل گشته و آن را به سطوح مقامات تأثیرگذار منتقل نمایند.

آقای عراقچی تأکید نمود که دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی با درک اهمیت این میزگردها و نقش آنها در روابط دوجانبه ایران با کشورهای دیگر و به ویژه کشورهای همسایه، در برگزاری چنین میزگردهایی تلاش می‌نماید و در مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز نیز، چندین میزگرد دوجانبه با کشورهای منطقه تشکیل شده است. این امر به درک و تفاهم هرچه بیشتر بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای دیگر کمک نموده و در راستای سیاست دولت جناب آقای خاتمی مبنی بر تنش‌زدایی و رفع عوامل اختلاف با کشورهای دیگر قرار دارد. بعد از تنش‌زدایی، بحث اعتمادسازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌باشد. اجرای این اصول در خلیج فارس نتایج خوبی دربر داشته و بهترین نشانه آن، اجلاس



اخیر شورای همکاری خلیج فارس است که برای اولین بار در پایان آن بیانیه‌ای منتشر نگردید تا به مسایل اختلاف‌برانگیز دامن زده نشود. در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نیز که از جمله اولویت‌های سیاست خارجی ایران می‌باشد، در سایه چنین سیاستی با مشکلات کمتری مواجه هستیم. آقای عراقچی در پایان سخنان خود اظهار امیدواری نمود که این جلسه بتواند با کمک به شناخت نزدیک‌تر، پایه‌های روابط مسالمت‌آمیز بین جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان را هرچه بیشتر مستحکم نماید و با رفع سوء تفاهمات و القانات، هر دو ملت از یک زندگی سعادت‌آمیز بهره‌مند شوند.

در پایان جلسه افتتاحیه، آقای علی حسن‌اف، رئیس هیأت جمهوری آذربایجان اظهار داشت که هیأت آذربایجانی با این هدف قدم بر خاک جمهوری اسلامی ایران گذاشته تا با هموار کردن راه روابط دو کشور و رفع موانع احتمالی، پیوندهای بین دو ملت و دو دولت را گسترش داده و از آن طریق مناسبات دوجانبه را توسعه بخشد.

آقای حسن‌اف اضافه نمود، دولت آذربایجان پس از کسب استقلال در ماه اکتبر سال ۱۹۹۱ که به دنبال فروپاشی شوروی صورت گرفت، برای همزیستی مسالمت‌آمیز با همسایگان خود و برقراری روابط با جهان خارج بر اساس سیاست خارجی دولت مستقل آذربایجان عمل نمود و سعی کرد تا روابط مثبتی را با کشورهای همسایه خود برقرار نماید. ولی متأسفانه در دو سال اول پس از استقلال، آذربایجان سیاست مشخص نداشت و نتوانست بر اساس منافع ملی خود عمل نماید. یکی از آثار آن، تجاوز ارمنستان به آذربایجان و اشغال اراضی این کشور و آوارگی حدود صد‌ها هزار نفر از مردم آن می‌باشد. سیاست خارجی ما در سالهای اول تحت تأثیر روسیه شکل گرفت. در سال ۱۹۹۲ پس از تغییر حکومت و فاصله گرفتن از روسیه، سیاست خارجی آذربایجان شکل دیگری به خود گرفت و در این زمینه سیاست نزدیکی به ترکیه در پیش گرفته شد ولی در سال ۱۹۹۳ به این نتیجه رسیدیم که این سیاست نیز ما را کمک نخواهد کرد، زیرا با سایر دول همسایه روابط تیره‌ای داشتیم و روابط آذربایجان و روسیه نیز بسیار بحرانی بود. به‌طور کلی، با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع روابط خوبی



نداشتیم. از طرف دیگر، با وجود گرایش به غرب آنها، تجاوز به آذربایجان را نادیده می‌گرفتند. در مورد روابط آذربایجان و ترکیه نیز مشکلاتی پدید آمده بود و آذربایجان را متهم می‌کردند که روابط خود را براساس مناسبات قومی شکل داده و این امر ترکیه را در وضعیت نامساعدی قرار داده است.

در سال ۱۹۹۳ موضوع تغییر حکومت پیش آمد و آقای حیدرعلی‌اف سیاست خارجی آذربایجان را براساس موازین علمی و با اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی بنیان نهاد و براساس آن روابط مستحکم با جهان خارج شکل گرفت و با پذیرش زندگی مسالمت‌آمیز با سایر دولتهای منطقه، سعی شد تا منافع همه کشورهای در نظر گرفته شود و با توجه به خصوصیات ملت‌ها و عوامل نژادی و مذهبی، مناسبات با جهان خارج به روشی صورت گیرد تا نه آذربایجان و نه سایر کشورهای آن متضرر نگردند.

براین اساس تحرکاتی در زمینه روابط با سازمان ملل متحد، سازمان امنیت و همکاری اروپا، اتحادیه اروپایی، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان اکو و سایر سازمان‌های بین‌المللی صورت گرفت.

در مرحله بعد، آذربایجان روابط مناسبی را با کشورهای منطقه برقرار نمود که براساس آن، جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور همسایه آذربایجان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است.

سومین جهت‌گیری اصلی سیاست خارجی آذربایجان، توسعه رابطه با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، روسیه و اوکراین می‌باشد که در گذشته پیوندهای عمیقی با آنها وجود داشت و لطمه زدن به این روابط برای هر دو طرف مشکلاتی را پدید می‌آورد. چهارمین جهت سیاست خارجی آذربایجان نیز روابط با کشورهای اروپایی و غرب است.

آقای حسن‌اف پس از اشاره به اصول سیاست خارجی آذربایجان به تشریح بیشتر در مورد روابط با ایران پرداخت و ضمن اشاره مجدد به جایگاه جمهوری اسلامی ایران در



سیاست خارجی آذربایجان تأکید نمود که با توجه به اینکه هن دو کشور نقش مهمی را در منطقه ایفا می‌نمایند، بنابراین روابط دوستانه بین آن‌ها نیز ضرورت دارد و مایلیم اگر سوء تفاهماتی نیز باشد آنها را برطرف نماییم و مشکلات فراروی سیاستمداران را حل کنیم. آقای حسن‌اف در پایان تأکید نمود که امروزه کسانی هستند که خواهان تیرگی روابط دو کشور می‌باشند و در این روابط خلل ایجاد می‌کنند و مایل‌اند در جامعه ما جوی را علیه ایران به وجود آورند. در ایران نیز نیروهایی هستند که دولت آذربایجان را به عنوان یک عامل خطر برای ایران نشان می‌دهند. روی این اصل، ما باید تلاش کنیم تا ضمن خنثی ساختن این دسیسه‌ها، روابط دو کشور را هرچه بیشتر مستحکم سازیم و در این راه از سیاست آقای خاتمی و آقای علی‌اف کمک بگیریم.

### مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی

در جلسه اول میزگرد که به مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی اختصاص داشت ۵ نفر به‌ایراد سخنرانی پرداختند.

ابتدا آقای نوروز محمداف مدیر شعبه روابط بین‌الملل دفتر ریاست جمهوری آذربایجان، اظهار داشت که جمهوری اسلامی ایران یکی از اولین دولت‌هایی بود که آذربایجان را به رسمیت شناخت و ۱۲ مارس ۱۹۹۱ (روز اعلام شناسایی) در روابط دو کشور و در تاریخ ثبت شده است. بعد از فروپاشی شوروی تعدادی از کشورهای اسلامی استقلال خود را به‌دست آوردند و برای پیوستن آنها به جهان اسلام امکانات جدیدی به‌وجود آمد، که یکی از آنها جمهوری آذربایجان بود که امروزه با اطمینان به نفس بیشتر در راه احقاق حقوق خود گام برمی‌دارد و تاکنون اصلاحات وسیعی را انجام داده و در راه تشکیل دولت مدنی موفقیت‌هایی را نیز داشته است.

آقای محمداف سپس با بیان فعالیت‌های آذربایجان در سازمان کنفرانس اسلامی و روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وسیع آن با کشورهای اسلامی، خاطرنشان نمود که جمهور آذربایجان، ایران را همیشه به عنوان یک کشور دوست خود تلقی می‌نماید و برای



گسترش روابط دوجانبه خواهان کمک جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. روابط دو کشور براساس دیدارهای مقامات دو طرف بوده و مسافرت آقای هاشمی رفسنجانی به آذربایجان و دیدار آقای حیدر علی‌اف (در ژوئیه ۱۹۹۴) از تهران و شرکت ایشان در مراسم افتتاح خط آهن سرخس - تجن از آن جمله می‌باشد. همچنین، در جریان برگزاری کنفرانس سران اسلامی در تهران (دسامبر ۱۹۹۷) آقای علی‌اف با رهبران ایران دیدارهایی داشته و میان مقامات دو کشور توافق‌نامه‌هایی به امضا رسید و برای پیشبرد مناسبات امکانات وسیعی به وجود آمد. بدین ترتیب، دیدارهای متقابل مقامات دو کشور در گسترش روابط نقش مهمی داشته و سندهایی که امضا شده، مبادله کالا، ایجاد بازارهای مرزی و فعالیت‌های مشترک علمی زمینه‌های خوبی را ایجاد کرده است.

آقای محمداف افزود، در راه درک مفاهیم اسلامی در آذربایجان فعالیت‌های زیادی صورت گرفته و در حال حاضر بسیاری از اتباع آذربایجان در ایران تحصیل می‌نمایند. در آذربایجان نیز دانشگاه امام حسین (ع) و مدارس دینی ایجاد شده و مدارس نیز که در دوران گذشته تعطیل شده بودند، اینک دایر شده‌اند. در نتیجه این فعالیت‌ها و دیدارهای مقامات دو کشور، اینک آینده روابط روشن می‌باشد و به طور قاطع می‌توان گفت که در روابط دوجانبه هیچ زمینه‌ای وجود ندارد که در آن همکاری دو کشور صورت نگرفته و یا امکان آن وجود نداشته باشد.

آقای محمداف تأکید نمود که دولت مستقل آذربایجان اینک با اطمینان به نفس در راه منافع خود تلاش می‌نماید و این امر در سایه سیاست‌های آقای حیدر علی‌اف امکان‌پذیر شده است. البته ناگفته نماند که بعد از استقلال، آذربایجان با مشکلاتی روبه‌رو بوده که یکی از آنها تجاوز ارمنستان به خاک جمهوری آذربایجان و اشغال قره‌باغ و ۲۰ درصد از خاک آن توسط نظامیان ارمنی و آواره شدن بیش از یک میلیون نفر از مردم آذربایجان بوده است، که در این مورد از کمک‌های ایران به آنان قدرانی می‌شود. همچنین از مواضع سازمان کنفرانس اسلامی در مورد مسئله قره‌باغ سپاسگزارم و امیدوارم جمهوری اسلامی ایران همچنان از تمامیت ارضی آذربایجان دفاع نموده و در برخورد با تجاوز ارمنستان براساس موازین کشور اسلامی

عمل نماید. دولت آذربایجان به کمک و همیاری ملل اسلامی نیاز دارد، زیرا دولت اشغالگر ارمنستان از سوی کشورهای مختلف، به ویژه روسیه، مورد حمایت می‌باشد و تاکنون تسلیحات بسیاری را از روسیه دریافت داشته و از نظر نظامی تقویت شده، که این امر نه تنها برای آذربایجان بلکه برای کل منطقه نیز خطرناک می‌باشد. آذربایجان از توسعه سلاح‌های کشتار جمعی نیز نگران بوده و برای جلوگیری از اعمال فشارها و خنثی‌سازی آنها اقداماتی را انجام داده است.

آقای محمداف مجدداً به روابط ایران و آذربایجان پرداخت و تأکید نمود که در بعضی از زمینه‌ها براساس خواست دولت‌ها و ملت‌های خود نتوانستیم عمل نماییم و این مسأله به روابط دو کشور آسیب وارد ساخته است.

نظام حقوقی دریای خزر یکی از مسائلی است که پس از فروپاشی شوروی به وجود آمده و تاکنون بین کشورهای ساحلی توافقی صورت نگرفته است. آذربایجان ضمن درک مواضع و تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران در این زمینه، بر این اعتقاد است که حل این مسأله از راه گفت‌وگو امکان‌پذیر می‌باشد.

آقای محمداف در پایان اظهار داشت که به دنبال امضای قراردادهای گلستان و ترکمنچای در سال‌های ۱۸۱۳ و ۱۸۲۸ آذربایجان به یکی از ایالت‌های روسیه تبدیل شد و امروزه پس از کسب استقلال و تشکیل دولت مستقل قصد بر این است تا با در نظر گرفتن پیوندهای گذشته، نزدیک‌ترین رابطه را با ایران برقرار نماییم و در این راه انتظار کمک از ایران را داریم. برای گسترش روابط باید همه موانع را از سر راه برداریم و در سایه چنین دیدارهایی و نیل به تفاهم دوجانبه، هیچ مسأله غیرقابل حلی بین دو کشور وجود ندارد.

دومین سخنران جلسه اول، آقای دکتر سیدحسین سیف‌زاده استاد دانشگاه تهران بود که پیرامون موضوع «منطقه قفقاز و تراژدی شکل‌گیری هویت ملی» مطالبی را بیان داشت. وی متذکر گردید که در قفقاز این سه قسمت از مناطق آزاد شده رنج بسیاری را برای رسیدن به هویت ملی تحمل کرده‌اند. در ساختار ایجاد دولت ملی اشکالاتی وجود داشته و لازم است به مبانی آن اشاره شود و به این سؤال پاسخ داده شود که موانع اجتماعی تأسیس دولت چیست؟

لازم به ذکر است که طی ۴ قرن اول گاه این اشتباهات نظری موجب شده تا در سراسر دنیا تراژدی‌های انسانی وسیعی به وجود آید. جنگ‌های سی ساله و صدساله اروپا بر سر این بوده که امت را جای دولت قرار می‌دادند و یا در جنگ جهانی دوم هیتلر نژاد را به جای دولت نشانند و این مشکل را در آفریقای جنوبی نیز دیدیم. در بعضی از جاها نیز قومیت را مبنای دولت قرار می‌دهند، که داستان تراژدی در بوسنی، کوزوو و عراق ناشی از این مشکل است. در چنین موردی، ملی‌گرایی رومانتیک به وجود آمده و قومیت سیاسی شده و در نتیجه قومیت‌ها علیه هم قرار می‌گیرند. در بعضی از جوامع طبقه را سیاسی می‌دانند، مانند چین و شوروی، که آثار مخربی دارد و حاصل آن نظام متمرکز چپ است.

نامبرده در ادامه مطلب افزوده، در ناحیه قفقاز و در طول ۹ سال گذشته، مردم حداقل از سه تراژدی (قومی، مذهبی و نظام متمرکز چپ شوروی) رنج برده‌اند و علت آن عدم وجود تعریف فلسفی از خود و نهادهای اجتماعی است. این مشکل زمانی قابل حل است که از لحاظ فلسفی و معرفت‌شناسی خود را تعریف نماییم. مثلاً ایران در طول تاریخ کشوری است با سابقه چند هزارساله و گرچه متشکل از قومیت‌ها و مذاهب مختلف بوده ولی زبان فارسی به عنوان زبان ملی قومیت‌های مختلف، تجلی ایرانیت بوده است و این تجربه تاریخی باعث شده تا دچار مشکل نشویم.

آقای دکتر سیف‌زاده در پایان تأکید نمود که در وضعیت نظام سلسله مراتبی فعلی که به زیان جنوب و به نفع شمال می‌باشد، واگرایی مشکل‌آفرین خواهد بود، زیرا وضع موجود به نفع ما نمی‌باشد و بنابراین ایران و آذربایجان باید منزلت خود را به منزلت یک قدرت بزرگ تبدیل کنند و چنانچه بجای آن تداخل میحث صورت گیرد، گمراه خواهیم شد و این مطلبی است که نظام بین‌الملل هم متوجه آن شده و روی این اصل باید یک تعریف فلسفی از خود ارائه دهیم و طی آن رابطه بین ساختار دولت و عملکرد آن را مورد نظر قرار دهیم.

سومین سخنران این جلسه، آقای مبارز قربان‌لی نماینده مجلس و رئیس حزب استقلال دموکراتیک جمهوری آذربایجان اظهار داشت که مناسبات کنونی با مناسبات دوهزار سال پیش تفاوت دارد و در جهان امروز تبادل افکار و ارتباطات به شکل قوی صورت می‌گیرد





و عمومیت یافتن مشکلات جهانی باعث شده تا مناسبات کشورها در انزوا قرار نگیرد. به این ترتیب، حوادثی که در قفقاز اتفاق می‌افتد و یا مسایل مربوط به بالکان محدود به این مناطق نبوده و در واقع مسایل کل جهان تلقی می‌گردند و پیشرفت‌های فنی در جهان و ساخت سلاح‌های مختلف بشریت را به سمتی سوق می‌دهد که ناچار از حل مشترک مسایل می‌باشد. آقای قربان‌لی سپس با مروری بر تاریخ آذربایجان و مناسبات با ایران طی ادوار گذشته به بررسی سیاست خارجی فعلی آذربایجان پرداخت و با تفکیک آن به ۲ دوره اظهار داشت که از سال ۱۹۹۱ تا ماه ژوئن ۱۹۹۳ دولت آذربایجان ساختار خود را پیدا نمود و البته اشکالاتی هم وجود داشت. در دوره دوم به‌دنبال بازگشت آقای حیدرعلی‌اف به حکومت، دکترین سیاست خارجی جمهوری آذربایجان شکل گرفت و پویایی سیاست خارجی آغاز گردید. در این دوره به منافع ملی آذربایجان اهمیت داده شد و تأمین آن بدون از بین بردن منافع دیگران، مدنظر قرار گرفت.

نامبرده با تذکر اینکه امروزه در روسیه افرادی هستند که هنوز تفکر امپراتوری را در سر داشته و قصد احیای شوروی سابق را دارند، تأکید نمود که سیاست خارجی آذربایجان به دنبال ایجاد توازن بوده و قصد دارد خود را از تأثیرات سیاست امپراتوری روسیه به‌دور نگاه دارد، زیرا سیاست روسیه در قفقاز بر مبنای ایجاد تفرقه بوده و مسایل به‌وجود آمده با سایر جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع نیز مؤید آن می‌باشد. ما به‌خوبی درک می‌کنیم که اشغالگری ارامنه در قره‌باغ تنها با قدرت خود آنها صورت نگرفته و کمک روسیه در آن تأثیر داشته است. روی این اصل، باید سیاست خارجی خود را به شکلی تنظیم نماییم تا ضمن حفظ منافع ملی خود و بازپس‌گیری مناطق اشغالی، آذربایجان را به سطح سایر کشورهای منطقه برسانیم.

آقای قربان‌لی در خصوص مناسبات ایران و آذربایجان خاطر نشان نمود که این روابط مراحل ترقی خود را طی می‌نماید و طبیعی است که بدون مشکلاتی نیز نبوده است و آن هم ناشی از افکار عمومی بوده ولی بین دو دولت گام‌هایی به‌طور متقابل برداشته شده و از طرف آذربایجان، خواه در سطح ریاست جمهوری و خواه مجلس آن تلاش‌هایی برای گسترش



روابط صورت گرفته است. در سایه این کوشش‌ها ایران به‌عنوان اولین شریک تجاری آذربایجان درآمد، گرچه متأسفانه سال گذشته این مقام را از دست داده است. به‌طور کلی، روابط سیاسی و فرهنگی دو کشور با تلاش‌های آقای خاتمی و آقای علی‌اف نتایج سودمندی داشته و هر دو کشور در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان اکو روابط متقابلی داشته‌اند و کمیسیون مشترک اقتصادی نیز روابط اقتصادی و تجاری دو کشور را تنظیم می‌نماید. حال این سؤال پیش می‌آید که با وجود چنین نگرشی به روابط دوجانبه، مشکل اصلی در راه گسترش مناسبات کدام است؟ باید گفته شود که بعضی از قراردادهای مورد لزوم هنوز به امضا نرسیده است و نبود چنین قراردادهایی در زمینه‌های مختلف، گسترش مناسبات دوجانبه را با مشکلاتی روبه‌رو ساخته است.

نامبرده در ادامه مطلب یادآور گردید که آذربایجان در مجامع بین‌المللی نیاز به حمایت دارد و با توجه به بحران قره‌باغ و اشغال ۲۰ درصد از خاک آذربایجان و صدور چهار قطعنامه در شورای امنیت در این زمینه و در نهایت ارجاع آن به سازمان امنیت و همکاری اروپا، آذربایجان ناچار از داشتن روابط خاص با کشورهای تأثیرگذار در این روند می‌باشد و اتکالی صرف به سازمان کنفرانس اسلامی برای حل مسأله قره‌باغ چاره‌ساز نیست. در این میان، تلاش‌های میانجیگرانه ایران در این بحران قابل ارجح می‌باشد. با توجه به این مسایل، باید این مشکل در چارچوب بین‌المللی حل شود و به‌طور کلی آذربایجان صرفاً به دنبال منافع ملی خود بوده و مایل نیست به مرکز تلاقی قدرتهای بزرگ تبدیل شود.

آقای قربان لی در خاتمه کمک نظامی روسیه به ارمنستان و حضور ۵۰ هزارتن از نیروهای روسی در قفقاز را بسیار خطرناک توصیف نمود و تأکید کرد که با توجه به مبارزه ملت‌های مسلمان در روسیه برای احقاق حقوق خود، روسیه به منظور انحراف این مبارزات درصد چهارجویی است و لازم است به آن توجه شود.

چهارمین سخنران جلسه اول، خانم دکتر الهه کولایی استاد دانشگاه تهران بود که پیرامون «نقش عامل روسیه در روابط ایران و آذربایجان» سخن گفت و اظهار داشت، تاریخ



اغلب کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که نفوذپذیری و آسیب‌پذیری آنها از سوی عوامل خارجی در همه شئون حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها اثرگذار بوده و این تأثیرها به اشکال مختلف اتفاق افتاده و صلح و ثبات و امنیت این کشورها را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار داده و نیازهای همه کشورهای در حال توسعه به سرمایه این نفوذ را تسریع کرده است.

نامبرده در خصوص منطقه قفقاز خاطر نشان نمود که این منطقه با کنش و واکنش‌های بین‌المللی مواجه بوده و در آغاز قرن ۱۹ تحت تأثیر روسیه واقع شده و ارتباط آن با ایران به‌طور جدی کاهش یافت. در دوره شوروی، این منطقه تحت نفوذ و کنترل این کشور قرار گرفت ولی فروپاشی شوروی شرایطی را فراهم نمود تا ایران و آذربایجان به تنظیم روابط خود بپردازند. در این میان، نکته مهمی که در توسعه روابط ایران و آذربایجان باید مورد توجه قرار گیرد، نفوذ و تأثیر عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی است. در طول تاریخ ایران، مرزهای شمالی آن همواره شاهد توسعه‌طلبی روسیه تزاری و اتحاد شوروی بوده و در شرایط جدید و بعد از فروپاشی شوروی، فرصتی برای تنظیم متعادل روابط با این منطقه فراهم شده ولی ماهیت مسایل در منطقه و میراث شوروی باعث شده تا تحولاتی که در قفقاز روی می‌دهد، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد تهدید قرار دهد.

خانم کولایی پیرامون روابط ایران و آذربایجان اضافه نمود که با وجود توسعه روابط دو کشور، عواملی در سطح منطقه و در نظام بین‌الملل این ارتباط را تحت تأثیر قرار دادند که از آن جمله به ملاحظات امنیتی روسیه در قفقاز می‌توان اشاره نمود. در این خصوص لازم به ذکر است که در چارچوب سیاست غرب‌گرایانه روسیه در آغاز استقلال کشورهای مشترک‌المنافع، مناطق پیرامونی (خارج نزدیک) برای روسیه دارای بُعد امنیتی جدی نبود ولی تحولاتی که در گرجستان، ملداوی، تاجیکستان و آذربایجان اتفاق افتاد، همراه با تحولات در سطح روابط منطقه‌ای و روابط با اروپا و آمریکا، باعث شد تا نگاه منطقه‌ای روسیه دگرگون شود و بنابراین از سال ۱۹۹۴ به بعد شاهد تمایلات مبتنی بر جغرافیای سیاسی روسیه در پیرامون آن کشور هستیم و روسیه «خارج نزدیک» را به عنوان مناطق مورد نظر خود تلقی می‌کند و در آن برای



خود منافع حیاتی امنیتی قائل می‌گردد و این در شرایطی صورت می‌گیرد که دولت آمریکا به صراحت از راهبرد سدبندی جرج کنان در دهه ۱۹۴۰ در قبال شوروی حمایت کرده و شاهد شکل‌گیری راهبرد سدبندی و مهار در سیاست‌های آمریکا در مورد روسیه هستیم، یعنی نوعی تقابل و مواجهه اساسی بین روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز و پیرامون روسیه صورت می‌گیرد و این همان تجربه کشورهای در حال توسعه است که برای پاسخ به نفوذ یک دولت، نفوذ دولت دیگر را مورد توجه قرار می‌دهند.

نامبرده در ادامه افزود، با وجود دشواری‌های اقتصادی آذربایجان که ناشی از فروپاشی شوروی و ازهم گسیختگی نظام اقتصادی مبتنی بر برنامه‌ریزی متمرکز و جنگ در قره‌باغ می‌باشد و توانایی‌های جمهوری اسلامی ایران برای رفع این نیازها، ما شاهد آن هستیم که نزدیکی ایران به منطقه با اختلال مواجه شده و یکی از محورهای مهم تلاش‌های آمریکا برای سد کردن حضور و نفوذ روسیه و ایران در منطقه عملی می‌گردد. در واقع، بهره‌مندی آذربایجان از نفت دریای خزر بی‌آمدهای جغرافیای سیاسی عمیقی را در منطقه قفقاز و اساساً در حوزه خزر و آسیای مرکزی دربر داشته است. همچنین بحث خطوط لوله به نوبه خود تحولات جدی را به دنبال داشته و روی کارآمدن طالبان در افغانستان، شکل‌گیری حکومت کرد در لاجین و سرکوب شدید اکراد در ترکیه در این زمینه قابل ذکر می‌باشد.

خانم کولایی در پایان اظهار داشت که هرچند ابعاد داخلی مسایل قفقاز باید مورد توجه قرار گیرد، ولی رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی باعث پیچیده‌تر شدن و عمیق‌تر شدن این مسایل شده است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از توانایی‌های ویژه باید به تحلیل واقعی منافع خود - بدون تأثیرپذیری از مسایل خارجی - برآید. باید توجه داشت که رشد و توسعه تنها در مناطقی میسر است که دولت‌های آن در صف‌بندی‌های واحد قرار گیرند و رقابت‌های منطقه‌ای و نفوذ قدرت‌های بزرگ جهانی تنها به افزایش منازعات منطقه‌ای کمک می‌نماید.

آخرین سخنران جلسه اول، آقای دکتر حافظ‌نیا، استاد دانشگاه تربیت مدرس پیرامون

موضوع «تحلیل رفتار آذربایجان و چالش‌های جدید در برابر ایران از منظر جغرافیای سیاسی و در بستر منطقه‌ای» مطالبی را بیان داشت. نامبرده ابتدا رفتارهای آذربایجان را در سه زمینه خلاصه نمود:

۱. تلاش برای ایجاد پیوندهای سیاسی و امنیتی با مداخله‌گرایان منطقه‌ای و جهانی که رقبای ایران هستند؛

۲. تلاش برای جلب کمک‌ها و مساعدتهای فن‌آوری بین‌المللی؛

۳. رعایت جانب احتیاط نسبت به ایران بر اساس سه بُعد که یکی از آنها وابستگی‌های جغرافیای سیاسی این کشور است.

نامبرده سپس مبانی جغرافیایی سیاسی جمهوری آذربایجان را چنین برشمرد:

۱. احساس انزوای جغرافیای سیاسی و ضرورت خروج از انزوا؛

۲. ساختار نامناسب جغرافیای کشور؛

۳. نیازهای اقتصادی و فن‌آوری برای باروری توانایی‌های اقتصادی و پیوند خوردن با

بازار جهانی؛

۴. نیاز متقابل از نقطه‌نظر جغرافیای سیاسی به مداخله‌گرایان منطقه‌ای؛

آقای دکتر حافظ‌نیا چالش‌های پدید آمده برای ایران را چنین خلاصه نمود:

۱. چالش امنیتی؛

۲. بهره‌برداری رقبای ایران از آذربایجان برای انتقال بحران به داخل ایران؛

۳. تحول در موازنه جغرافیای سیاسی منطقه؛

۴. چالش اقتصادی از طریق خنثی‌سازی توانایی ترانزیتی ایران؛

۵. گسترش تنش در حوزه خزر.

نامبرده در پایان چند راه کار را برای تقویت و ایجاد یک سیستم امنیتی و جلوگیری از

مداخله‌گرایان در منطقه به این شرح پیشنهاد نمود:

۱. تنظیم و امضای پیمان حُسن همجواری و هدم دخالت در امور یکدیگر؛

۲. کمک به آذربایجان برای زدودن احساس انزوای جغرافیای سیاسی؛

۳. اعمال فشار به ارمنستان برای پذیرش حاکمیت آذربایجان در قره‌باغ؛

۴. انجام کارهای فن‌آوری و اقتصادی.

همچنین انجام اقدامات زیر را از سوی آذربایجان ضروری دانست:

۱. رعایت منافع ایران در پیوندهای منطقه‌ای، به‌ویژه با دولت‌های رقیب ایران؛

۲. فضاسازی ذهنی مثبت در اذهان آذری‌ها نسبت به ایران؛

۳. همکاری با ایران در استقرار نظام حقوقی در دریای خزر؛

۴. پرهیز از تلاش‌های بی‌ثمر و نادیده نگرفتن نقش ارتباطی ایران برای انتقال نفت به

بازارهای جهان.

### مباحث تاریخی - فرهنگی

در دومین جلسه میزگرد چهار تن به ایراد سخنرانی پرداختند.

نخست، آقای خلیل‌اف رئیس دانشگاه شرق - غرب اظهار داشت، امروزه دولت

جمهوری آذربایجان با در نظر گرفتن منافع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و براساس امنیت ملی

خود عمل می‌نماید، شاید اگر تجاوز نظامی به آذربایجان صورت نگرفته بود، مناسبات در

جهت دیگری تنظیم می‌گردید.

آقای خلیل‌اف سپس چنین ادامه داد که از نقطه نظر منافع اقتصادی گرچه روسیه روابط

اقتصادی وسیع‌تری را با آذربایجان نسبت به ارمنیه دارد ولی از ارمنیه حمایت نمود و با وجود

توانایی‌های اقتصادی و ثروت‌های طبیعی که می‌توانست برای آمریکا جالب باشد، ولی آن

کشور نیز از ارمنستان حمایت کرد. این نظر که آمریکا از آذربایجان حمایت می‌نماید، کاملاً

اشتباه می‌باشد، زیرا با وجود تجاوز ارمنیه به خاک ما، آنها علیه آذربایجان تحریم اقتصادی

خود را اعمال نمودند (اصلاحیه ۹۰۷ کنگره آمریکا). یعنی به‌طور کلی، دولت‌های غربی و

روسیه به ارمنستان به عنوان متحد خود می‌نگرند و دلیل آن صرفاً ترس و واهمه آنها از اسلام

می‌باشد. ارزشهای اسلامی و معنوی ما با ارزشهای غربی تفاوت دارد و بعضی اوقات،

ارزشهای معنوی می‌تواند از ارزشهای اقتصادی موفق‌تر باشد.

نامبرده در پایان خاطر نشان نمود که از بعضی از سخنرانی‌ها چنین استنباط می‌گردد که آذربایجان به مرکزی برای تأمین منافع آمریکا در منطقه تبدیل شده است، در حالی که چنین تفکری ریشه ندارد و کشور آذربایجان تنها کشور منطقه است که در آن نیروهای خارجی مستقر نشده و در آینده نیز استقرار پیدا نخواهد کرد.

دومین سخنران جلسه دوم میزگرد، آقای غنی‌زاده نماینده ارومیه در مجلس شورای اسلامی بود، که در زمینه مسایل فرهنگی دو کشور سخن گفت و تأکید نمود که نظامی گنجوی‌ها و فضولی‌ها افرادی هستند که هم در ایران و هم در آذربایجان به عنوان مفاخر فرهنگی و تاریخی این کشورها محسوب می‌گردند. در بحث‌های سیاسی و تاریخی نیز شاه اسماعیل به عنوان فردی که در منطقه نقش ویژه‌ای داشته، معرفی می‌گردد. در بحث آداب و سنن اجتماعی هم وقتی انسان در هر نقطه از خاک ایران و یا آذربایجان قدم می‌گذارد، تفاوت عمده‌ای را نمی‌بیند. به‌طور کلی، اشتراکات فرهنگی و تاریخی دو کشور در حد بالایی است و در زمینه مذهبی نیز به‌عنوان نمونه آثار تاسوعا و عاشورا در فرهنگ مذهبی هر دو کشور به‌خوبی مشهود بوده و نفوذ عمیق و ریشه‌ای در میان مردم ما داشته و در فرهنگ هر دو کشور تأثیر خاصی داشته است. وقتی شهریار برای همه ما عزیز است و حیدربابای او برای همه شیرین است و زمانی که این همه اشتراکات بین دو کشور وجود دارد، چرا روابط فرهنگی بین دو کشور سرد است؟ قطعاً عامل خارجی در این قضیه دخالت دارد و اگر عوامل داخلی نیز در آن مؤثر باشد، خواسته یا ناخواسته همان هدفی را پی‌گیری می‌نماید که خواست دشمنان هر دو کشور می‌باشد.

آقای غنی‌زاده در ادامه افزود، آمریکا نه تنها مایل به برقراری روابط صمیمانه بین ایران و آذربایجان نمی‌باشد، بلکه اصولاً نمی‌خواهد روابط گرم در منطقه و بین کشورهای منطقه ایجاد شود. عامل دوم در این میان، روس‌ها هستند که حتی بعد از فروپاشی شوروی نیز در تلاش حفظ نفوذ خود در منطقه می‌باشند. روس‌ها نیز از روابط گرم ایران و آذربایجان خوشنود نیستند و به دنبال راه‌هایی هستند تا این روابط هم‌چنان سرد بماند. از سوی دیگر، در

ارمنستان، داشناک‌های افراطی که خواهان تشکیل ارمنستان بزرگ هستند، نگران روابط گرم ایران با آذربایجان هستند. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که گرمی روابط ایران با آذربایجان برای همه نگران‌کننده است.

آقای غنی‌زاده در پایان پیشنهاد نمود تا برای تقویت روابط دو کشور موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱. تقویت روابط بین مراکز فرهنگی و تحقیقاتی دو کشور؛
  ۲. تقویت روابط بین پارلمان‌های ایران و آذربایجان؛
  ۳. لغو روادید بین دو کشور؛
  ۴. اعمال فشار از سوی ایران به عنوان رئیس سازمان کنفرانس اسلامی به ارمنستان. سومین سخنران این جلسه، آقای یعقوب محموداف مورخ جمهوری آذربایجان بود. نامبرده با مرور بر سیر تاریخی منطقه و سرنوشت آذربایجان در دوره‌های مختلف تاریخی، تأکید نمود که ما نکات مشترک زیادی داریم و لازم است به‌جای برجسته کردن نقاط بحث‌برانگیز به آن نکات مثبت اشاره نماییم و ارزش تاریخ مشترک خود را بدانیم. البته تا سال ۱۹۹۳ روابط بین دو کشور تیره بود و بعضی‌از رهبران وقت آذربایجان به روابط دو کشور لطماتی را وارد ساختند ولی بعد از ژوئن ۱۹۹۳ و روی کار آمدن آقای علی‌اف روابط دو کشور بهبود پیدا کرده است. در شمال ایران، دولت شوروی که می‌خواست کنترل جهان را به‌دست گیرد، از بین رفته است و دولت‌های جدیدی به‌جای آن به‌وجود آمده‌اند، بنابراین ایران در شمال با تهدیدی روبه‌رو نمی‌باشد و لازم است از این زاویه به مسایل نگاه شود.
- در پایان، آقای محموداف اضافه نمود که در پی دیدارهای رؤسای جمهور دو کشور، ۷ قرارداد در تهران و ۱۴ سند نیز در آذربایجان میان آنها به امضاء رسید که اساس خوبی را برای پی‌ریزی روابط دو کشور فراهم نموده است. با توجه به چنین زمینه مساعدی، باید بی‌اعتمادی میان دو کشور از بین برود.
- نامبرده سپس به گوشه‌هایی از مناسبات ایران و ارمنستان پرداخت و خاطر نشان نمود قراردادهای منعقد شده بین دو کشور در نوبت‌های مختلف حجم روابط را بسیار بالا برده و منافع خاصی را برای ارمنستان دربر داشته است.





آخرین سخنران این جلسه، آقای دکتر ترابی استاد دانشگاه تهران ضمن ارائه مقاله جهت درج در مجموعه مقالات این میزگرد صرفاً به بیان خاطراتی از دیدارهای خود از منطقه پرداخت و در پایان چند قطعه شعر از شمس مغربی را به گویش اصیل آذری عرضه داشت.

### مناسبات سیاسی دوجانبه

در سومین جلسه میزگرد ۴ نفر به ایراد سخنرانی پرداختند.

ابتدا، آقای بیگدلی سفیر جمهوری اسلامی ایران در باکو اظهار داشت که اگر روابط دو کشور را از سطح روزنامه‌هایی که وابسته به محافل خاصی هستند به محافل علمی به کشانیم و سیاست را در اختیار خرید قرار دهیم، قطعاً به منافع دو ملت و گسترش روابط دو کشور و در نهایت به استقرار صلح و ثبات در منطقه کمک خواهد کرد. با وجود مشترکات زیاد در روابط به چند دلیل این روابط در سطح مطلوب نیست. یکی از دلایل عامل خارجی است. اندک کشوری را می‌توان پیدا کرد که به توسعه روابط ایران و آذربایجان نظر مساعد داشته باشد و در مقابل، آمریکا، روسیه، ترکیه و ارمنستان نسبت به توسعه روابط دو کشور با حساسیت خاصی برخورد می‌نمایند.

آقای بیگدلی در مورد عامل دوم اظهار داشت که این عامل از عوامل نخستین مهمتر بوده و آن ذهنیت‌هایی است که در جمهوری آذربایجان از زمان شوروی باقی مانده و همان‌طوری که دوستان آذری بیان می‌دارند، در زمان شوروی چنین گفته می‌شد که شوروی بزرگترین کشور دنیا و زبان روسی رایج‌ترین زبان جهان بوده و بیرون از آن خرابی و ویرانی است! تا اینکه رویدادهای سالهای قبل این پرده را پایین آورد و مردم با واقعیات آشنا شدند. این عامل از این جهت مؤثر است که بعضی از مشترکات دو کشور هنوز جایگاه خود را پیدا نکرده‌اند و باید از سوی دانشمندان و سیاسیون دو کشور تلاش‌هایی صورت گیرد تا این عوامل به جایگاه اصلی آنها هدایت گردند.

نامبرده سپس اضافه نمود، گرچه دین امروزه در آذربایجان حیات جدیدی پیدا کرده ولی هنوز جایگاه خود را پیدا نکرده است و صحبت بر سر این است که ساختار دین در تقویت



هویت آذربایجان در کجا قرار دارد و این در حالی است که آقای علی‌اف مسایل جدیدی را مطرح کرده و از دین به عنوان بخشی از ساختار هویتی آن کشور استفاده می‌کند که به حکومت آذربایجان کمک خواهد نمود. مسأله دیگر، تاریخ مشترک ایران و آذربایجان است، که در آن نگاه مورخان دو کشور با هم تفاوت دارد. از دید شوروی سابق، ایران کشوری بود که باید به پایگاه کمونیزم تبدیل می‌شد و روی این اصل، برای تجزیه آن برنامه‌ریزی کرده و الگوهایی را برای انجام آن در نظر گرفته بودند که در دوره حاکمیت جبهه خلق بیشتر از چنین دیدگاههایی سوءاستفاده می‌شد. این نگاه به ایران باید به مرور زمان اصلاح گردد و هر دو طرف در این زمینه فعالیت‌هایی را انجام دهند.

آقای بیگدلی در پایان با اشاره به روابط مردمی صمیمانه بین دو کشور اظهار داشت که در سال گذشته یک میلیون تردد مرزی ثبت شده و ساعت مکالمات تلفنی بین ایران و آذربایجان در ۲۴ ساعت حدود ۱۸ ساعت بوده است که رقم جالب توجهی می‌باشد و نشان می‌دهد در آنجایی که مردم تماس دارند، روابط به شکل عادی حرکت می‌کند ولی به محض ورود به مسایل سیاسی با یک سری وقفه‌هایی روبه‌رو می‌گردد که امیدواریم به کمک چنین میزگردهایی آنها را از میان برداریم.

دومین سخنران جلسه سوم، آقای علی‌حسن اف مدیر شعبه سیاسی - اجتماعی دفتر ریاست جمهوری آذربایجان بود که اظهار داشت، نتیجه مثبت این میزگرد این بود که متفکرین دو کشور و افرادی که امکان تأثیرگذاری دارند، در برابر هم قرار گرفته و جهات مثبت و منفی مناسبات را از نظر گذرانده و مسایلی را که برای پیشرفت روابط دو کشور مفید می‌باشند، بیان کردند که این امر به نوبه خود در برنامه دولت‌ها تأثیر خواهد داشت.

نامبرده در ادامه افزود، در مورد روابط دو کشور پیشنهادهای ارزشمندی ارائه شد که می‌تواند به عنوان دستور کار مذاکرات بعدی تلقی گردد و نهادهای رسمی دولتی با برنامه‌ریزی‌های خاص برای گسترش مناسبات تلاش نمایند.

آقای علی‌حسن اف خاطر نشان نمود که نتیجه‌گیری من از این میزگرد این است که هر

دو دولت قصد دارند تا براساس خواست ملت‌های خود عمل نمایند و متفکرین دو کشور توانستند با جدا ساختن افکاری که از طریق مجاری خارجی دنبال می‌شود، صرفاً نظرات مردم خود را منعکس نمایند. من نیز با آقای بیگدلی هم‌عقیده هستم که در دوره شوروی تبلیغات یک‌جانبه علیه ایران صورت می‌گرفت و آثار آن امروز خود را نشان می‌دهد و ما در اینجا گرد آمده‌ایم تا این تفکرات را از افکار عمومی دو کشور دور سازیم.

سومین سخنران این جلسه، آقای صابر معاون ادارهٔ دوم کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بود، که صحبت خود را با بیان فرازی از بیانات آقای خاتمی در دیدار با رئیس مجلس و نیز وزیر امور خارجه آذربایجان آغاز نمود و اظهار داشت که آقای خاتمی در این دیدارها فرمودند که ما به روابط با جمهوری آذربایجان اولویت قائلیم و برای همکاری با جمهوری آذربایجان حاضریم به همان اندازه که آنها مایل هستند، عمل نماییم. همچنین تأکید کردند که در طرح گفتگوی تمدن‌ها، این برای هر دو کشور و به‌ویژه ایران ناخوشایند خواهد بود که با کشورهای اروپایی با آن درجه از اختلاف تمدنی به گفت‌وگو بنشینند.

آقای صابر در ادامه به بعضی از جنبه‌های منفی در روابط دو کشور پرداخت و آن را ناشی از دیدگاه مخالفین جمهوری اسلامی ایران دانست که گفته می‌شود ۵ درصد از مردم آذربایجان را در مقابل ۹۵ درصد طرفدار ایران تشکیل می‌دهند.

نامبرده در پایان سخنان خود ضمن اشاره به اشعاری از نظامی و فضولی که در ستایش از ایران سروده‌اند، تأکید نمود که از ادبیات کلاسیک جمهوری آذربایجان و ادبیات فعلی آن کاملاً روشن است که روابط مردم جمهوری آذربایجان با ایران فراتر از روابط معمولی بوده و مردم ایران نیز این علاقمندی ویژه را به جمهوری آذربایجان دارند.

آخرین سخنران جلسه سوم، آقای عباسعلی حسن‌اف سفیر جمهوری آذربایجان در تهران اظهار داشت با نگاهی به اسامی شرکت‌کنندگان در میزگرد درمی‌یابیم که حضور نمایندگان بخش‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و تاریخی نشان‌دهندهٔ این است که برای

گسترش روابط دو کشور افراد زیادی تلاش می‌نمایند. با توجه به علاقمندی حدود ۶۲ میلیون ایرانی و نزدیک به ۸ میلیون آذربایجانی، در واقع قریب به ۷۰ میلیون نفر طرفدار نزدیکی روابط دو کشور هستند، ولی این روابط مجاری صحیح خود را پیدا نکرده است. اگر به دلایل عدم پیشرفت سریع این روابط اشاره نمایم، لازم است عوامل زیادی را بیان نمایم ولی به‌طور خلاصه می‌توان عامل اصلی را چنین ذکر نمود که دشمنان روابط ایران و جمهوری آذربایجان اینک امکان این را یافته‌اند تا در روابط دو کشور کارشکنی نمایند.

آقای حسن‌اف سپس با مروری بر خاطرات گذشته، به هنگام باز شدن مرزهای دو کشور و اشتیاق فراوان انسان‌هایی که ۷۰ سال در حسرت دیدار هم بودند و صحنه‌های بسیار باشکوهی را پدید آوردند، اضافه نمود که دشمنان دو کشور با مشاهده چنین علقه و علاقه‌ای میان مردم دو کشور درصدد آن برآمدند تا در روابط آنان خلل وارد سازند. از طرف دیگر، با توجه به تبلیغات صورت گرفته، لازم است ضمن توجه به مسایل مطبوعات در دو کشور ترتیبی داده شود تا در آینده نزدیک روزنامه‌نگاران آذربایجانی نیز از ایران دیدن نمایند، زیرا در چنین شرایطی آنها با مشاهده پیشرفت‌های ایران به احتمال زیاد در نوشته‌های خود تجدیدنظر خواهند نمود.

سفیر آذربایجان در تهران، در پایان سخنان خود خواستار آن شد تا ضمن فراموش کردن اتفاقات گذشته و کنار گذاشتن حرف‌های بی‌اساس، مناسبات دو کشور در همه زمینه‌ها گسترش یابد و به دشمنان دو کشور اجازه داده نشود تا در این مناسبات اختلال نمایند.

در پایان جلسه سوم، آقای ناصر ثقفی عامری ضمن استقبال از سخنان سفیر آذربایجان در مورد فراهم نمودن امکانات بازدید و گردشگری، اظهار داشت که لازمه این کار ایجاد تسهیلاتی در این زمینه می‌باشد و همان‌طور که یکی از سخنرانان پیشنهاد نمودند، لغو روایید بین دو کشور می‌تواند به‌عنوان یک حرکت مثبت در این خصوص ارزیابی گردد و امیدواریم که برگ جدیدی در روابط دو کشور گشوده شده و بجای حرف به عمل پرداخته شود.

## مناسبات اقتصادی دو جانبه

در جلسه چهارم، ۴ تن سخنرانی نمودند.

ابتدا، آقای عوض بهمن‌زاده کارشناس ارشد حمل‌ونقل اظهار داشت که در سال ۱۹۹۰ براساس رایزنی‌های انجام گرفته برای بازگشایی گذرگاه حمل‌ونقل جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، سرانجام توانستیم آن راه را باز کرده و به آرزوی دیرینه مردم دو کشور جامه عمل بپوشانیم. بنابراین به هنگام فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ از یک تجربه یکساله در زمینه حمل‌ونقل کالا برخوردار بودیم و در پی استقلال آذربایجان، تمام توان خود را برای پیشبرد هر چه بیشتر در این زمینه به کار بردیم.

نامبرده با تقسیم خصوصیات مربوط به روابط حمل‌ونقل دو کشور به دو دوره، افزود، همان‌طوری که آقای حسن‌اف نیز اشاره کردند، تا سال ۱۹۹۶ مسئولین وقت آذربایجان در زمینه حمل‌ونقل با تجربه دوران اتحاد شوروی و باورهای آن دوره عمل می‌کردند، بنابراین چنین دیدگاهی باعث شد تا از فرصت پیش آمده استفاده لازم به عمل نیاید و بسیاری از زمینه‌های فعالیت کنار گذاشته شود. در آن زمان در خصوص راه‌آهن آستارا، که از سال ۱۹۷۳ در دستور کار بود، تحولی صورت نگرفت و با وجود ارائه تحلیل‌های اقتصادی، طرح به نتیجه نرسید و از سوی دیگر، درباره کریدور شمال - جنوب، که می‌توانست منافع مستقیمی را در زمینه اشتغال‌زایی و ایجاد درآمد برای ایران و منطقه قفقاز دربر داشته باشد، موفقیتی حاصل نگردید. از سال ۱۹۹۶ به بعد نیز با وجود آنکه مسئولین حمل‌ونقل آذربایجان بسیار کوشا بوده و در این خصوص تلاش می‌نمایند، ولی به لحاظ آن سابقه ذهنی، با وجود ارائه راه‌حل‌های قابل قبول برای برطرف ساختن مشکلات موجود، هنوز پیشرفتی به دست نیامده است. در چنین شرایطی، به محض بروز مشکلاتی در زمینه ارتباط جمهوری آذربایجان با نخجوان در سال ۱۹۹۶، جمهوری اسلامی ایران طی یک عکس‌العمل مثبت، خاک خود را برای تردد وسایل نقلیه آنان باز نمود و براساس وظایف برادرانه و همسایگی خود، بیش از ۲۰۰ کیلومتر جاده‌سازی به منظور ایجاد تسهیلات لازم، انجام داد.

آقای بهمن‌زاده در پایان اظهار امیدواری نمود که در خصوص کریدور شرق و غرب و

نیز محور شمال و جنوب تحرک جدی صورت گیرد تا با اتصال بازارهای آسیای جنوب شرقی، خلیج فارس، آسیای مرکزی و منطقه قفقاز به یکدیگر، از مزایای آن همه کشورهای منطقه بهره‌مند شوند.

دومین سخنران این جلسه، آقای عباسعلی حسن‌اف سفیر جمهوری آذربایجان در تهران بود، که در زمینه مناسبات اقتصادی دو کشور مطالبی را بیان داشت. وی ضمن اشاره به حضور شرکت‌های متعدد خارجی در آذربایجان و زمینه‌های مساعد برای فعالیت شرکت‌های ایرانی در آن کشور، اظهار داشت که در سرمایه‌گذاری در هر کشوری وجود ثبات و امنیت از جمله ضروریات می‌باشد و از این نظر در جمهوری آذربایجان با توجه به برقراری ثبات طی چند سال اخیر، مشکلی وجود ندارد. همچنین تضمین سرمایه‌گذاری نیز از دیگر عوامل مهم در این زمینه می‌باشد، که در این خصوص نیز قوانین لازم در پارلمان آذربایجان به تصویب رسیده و مجموعه آن را به زبان‌های فارسی و انگلیسی ترجمه کرده‌ایم و قصد داریم تا سرمایه‌گذاران و شرکت‌های ایرانی را با زمینه‌های مساعد فعالیت در آذربایجان آشنا نماییم. علاوه بر دو عامل یاد شده، از نظر سرمایه‌گذاران خارجی وجود مواد خام در کشور مورد نظر از جمله ضروریات می‌باشد، که در این مورد نیز آذربایجان مانند جمهوری اسلامی ایران از مواد خام بسیار بهره‌مند است.

نامبرده پس از بیان این مطالب و اشاره به میزان مبادلات دو کشور در سال ۱۹۹۸ که بسیار پایین و در حد ۸۷ میلیون دلار بوده است، تأکید نمود که امکان افزایش آن تا سطح ۵۰۰ میلیون دلار و سپس تا حد یک میلیارد دلار در سالهای آینده وجود دارد، زیرا در جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف صنایع پیشرفت‌هایی حاصل شده و زمینه‌های خوبی برای همکاری با آذربایجان وجود دارد ولی متأسفانه در ایران به موضوع تبلیغات و معرفی پیشرفت‌های کشور توجه چندانی صورت نمی‌گیرد و این امر باعث می‌شود تا زمینه‌های مساعد برای همکاری دوجانبه ناشناخته باقی بماند. در این خصوص می‌توان به فعالیت‌های شرکت‌های ساختمانی اشاره نمود. در جمهوری اسلامی ایران حاصل کار شرکت‌های



ساختمانی از کیفیت و استاندارد بالاتری برخوردار بوده و قیمت‌های آن نیز در مقایسه با نرخ شرکت‌های دیگر پایین‌تر است. روی این اصل، در طرح ساخت راه باکو به آستارا از شرکت‌های ایرانی نیز دعوت به عمل آمده است.

آقای حسن‌اف به کشاورزی به عنوان دیگر زمینه مناسب برای سرمایه‌گذاری اشاره نمود و خاطر نشان ساخت که گرچه در آذربایجان اصلاحات ارضی صورت گرفته ولی صاحبان اراضی سرمایه لازم را برای رفع نیازهای خود ندارند، روی این اصل آقای حیدرعلی‌اف برای مدت ۵ سال کشاورزی را از پرداخت مالیات معاف نمود و این امر باعث شد تا اسرائیلی‌ها در زمینه کشاورزی آذربایجان فعالیت نمایند. البته در آن هنگام من که از این طرح اطلاع پیدا کردم، تلاش نمودم تا ضمن جلب توجه دست‌اندرکاران کشاورزی ایران، آنها را به سرمایه‌گذاری در زمینه کشاورزی آذربایجان ترغیب نمایم ولی متأسفانه کوشش‌های من بی‌ثمر مانده و نتیجه‌ای از آن گرفته نشد.

سفیر آذربایجان در تهران در پایان سخنان خود ضمن تأکید مجدد بر عزم دو طرف برای توسعه روابط، اظهار امیدواری نمود که کمیسیون مشترک اقتصادی که در تهران تشکیل خواهد شد، قدم‌های مثبتی را در این زمینه بردارد.

سومین سخنران جلسه چهارم، آقای صادق عابدین رئیس اداره امور زیربنایی وزارت امور خارجه، در خصوص روابط اقتصادی دو کشور اظهار داشت که این روابط مانند روابط سیاسی از فرازونشیب‌های متعددی برخوردار بوده که در سطح دو کشور همسایه و با توانایی‌های موجود قابل قبول نمی‌باشد. در حال حاضر، حجم روابط اقتصادی ۲۳۰ میلیون دلار بوده و جمهوری اسلامی ایران در ردیف سوم تجارت خارجی آذربایجان قرار دارد. باید توجه داشت که دو کشور در شرایطی روابط خود را آغاز کردند که جمهوری آذربایجان با مشکلات ناشی از فروپاشی شوروی درگیر بود و همچنین سیستم بسته اقتصادی در نظام کمونیستی و عدم وجود سازوکارهای مرتبط با اقتصاد بازار در آذربایجان بر مشکلات موجود افزوده بود. بعد از استقلال نیز آذربایجان با مشکلات ناشی از بحران قره‌باغ روبه‌رو گردید.

